

## خطبه عقد و ازدواج بزبان عربی توهین بزرگی به شخصیت زن سیاوش اوستا

خطبه عقد و ازدواج بزبان عربی توهین بزرگی به شخصیت زن میباشد که بر اثر عدم آگاهی و آشنایی ما بزبان عربی سالهاست مورد استفاده قرار گرفته است

در پی تازش تازیان به ایران پس از وفات پیامبر اسلام دختران و زنان ما بعنوان غنیمت جنگی و با نام کنیز و با توجیه قرآنی ما ملکت ایمانکم مورد تجاوز اعراب قرار می‌گرفته اند و پس از استفاده نخست خودشان آن عزیزان را به عقد دیگران در می آورده اند با دریافت وجهی که تعیین مبلغ در ازدواج نیز از همین شیوه بد تازی آمده است

بدین رو در خطبه عقد تازی از دو واژه انکحتک و زوجتک استفاده میشود که انکحت از نکح می آید و نکح یعنی گاوی و یا شتری سوار شتر دیگری شدن و با او کار جنسی انجام داد

و آنگاه که ملا میگوید انکحتک و زوجتک لموکل یعنی من چنین کاری را بوکالت موکلم انجام دادم زیرا واژه زوج نیز یعنی جفت شدن و آن کار را انجام دادن

من که امروز میخواهم این مسئله را بنویسم و شرح بدهم شرمنده ام و نمیتوانم بیش از این مسئله را باز کنم حالا شما در نظر بگیرید که چهارده قرن است پدران و مادران ما را با این واژه های توهین آمیز عقد کرده اند اصلاً چرا باید در بهترین لحظه زندگی یک زن و مرد از واژه های زشت جفت شدن و سوار هم شدن استفاده کرد آنهم کسی دیگر این کار را بوکالت انجام بدهد

### نامهای تازی میان ایرانیان

آماري که اخير در ايران منتشر شده است کتابهاي تاريخي که در ايران چاپ و پخش میشود حدود ۴۰ درصد از بازار کتاب را به خود اختصاص داده است. یعنی ایرانیان توجه بسیار بالا و بزرگی به تاریخ و پیشینه و گذشته خود داشته و جستجوگر شناخت گذشته خود می‌باشند!

هرچند در سالهای نخست انقلاب کتابهای دینی و بویژه اسلامی خریداران بسیاری داشت و پس از چندی دهها سازمان و تشکیلات دینی و دولتی هزاران هزار کتاب را از تاریخ اسلام و غیره چاپ کرده و بطور رایگان در اختیار مردم داخل و خارج از کشور قرار دادند، اما خیلی زود مردم بسوی تاریخ گذشته خود روی آورده و کتابخوانی باستانی!! رایج شد! جدا از کتابخوانی باستانی، کتابهای بسیاری از تاریخ و تحلیل و نقد و تفسیر مسائل اسلامی بودند از زبانهای دیگر بویژه عربی ترجمه شد که نسبت به جو صدرصد شیعی سالهای قبل مردم با افکار و آراء مختلفی در رابطه با اسلام نیز آشنا شدند.

همراه و همزمان با این توجه ویژه به تاریخ کهن، ایرانی اندیشیدن و نام ایرانی برگزیدن نیز از سالهای ۶۰ در ایران رشد کرد. بگونه‌ای که اینک حدود ۴۵ درصد نامهایی که هموطنانمان در داخل کشور برای فرزندان خود انتخاب میکنند صدرصد ایرانی است. و درصد نامهای ایرانی در خارج از کشور به ۶۵ درصد میرسد!

بالارفتن رشد فکری مردمان ما طی این سالهای اخیر و تحمیل فراگیری زبان عربی در مدارس جمهوری اسلامی موجب شد تا هموطنان ما به ریشه و معنی برخی از نامهای غیر ایرانی پی برده و تلاش کنند تا هر چه بیشتر از نامهای زیبا و پرمعناي ایرانی بهره ببرند و واقعاً طی قرن‌ها نیاکان ما بخاطر آگاه نبودن از معنی‌های برخی از نامها، شاید ستمی تاریخی به فرزندان خود میکردند. البته چون زبان عربی زبان مادری مردم ما نبوده است و هجوم بیگانه موجب شده بود تا خود آگاه برخی از واژه‌ها و نامهای نادرست بر تاریخ و فرهنگ و جوامع و خانواده‌های ما تحمیل شود!

مثلاً غلام نامی است و یا شاید بهتر باشد بگوییم پیشوند برخی از نامهایی است که هرگز در زبان عربی از آن استفاده نمی شود. اما غلامعلی و غلامحسین و غیره در میان ما ایرانیان بسیار رایج بوده است!

من بسیاری از کشورهای عربی را گشته‌ام!! دوستان بسیاری دارم که از کشورهای عربی هستند و هرگز يك عنصر عرب را ندیده‌ام که او را غلام بنامند! و این بدین خاطر است که اعراب معنی غلام را می‌دانند و ما نمیدانسته‌ایم. غلام از ریشه غلم

می‌آید که به معنای بهره‌وری جنسی است! و غلام به پسر بچه‌هایی می‌گفتند که اعراب از آنها استفاده جنسی می‌نموده‌اند! بعلط به ما گفته بودند که غلام یعنی نوکر و برده و بنده! در صورتیکه در زبان عربی، عبد میشود برده و نوکر را خادم می‌گویند! غلام و کنیز هم‌طراز و همراهند!! از کنیزان نیز بهره جنسی و خانگی می‌برده‌اند و از غلام بچه‌ها نیز!!

بسیاری از نامهای عربی که در میان ما ایرانیان رایج است در میان اعراب اصیل (عربستان سعودی، کشورهای خلیج فارس..) ابدأ متداول نیست! هر چند امکان دارد که این نامها در میان شیعیان مورد استفاده قرار بگیرد. آنها بعنوان عشق و تعصب ویژه‌ای که نسبت به برخی از شخصیت‌های تاریخ اسلام داشته و دارند. اما بدون شك اگر پدر و مادری باریشه این گونه نامها و معنای آنها آشنایی می‌داشته‌اند هرگز نامهای نازیبا را بعشق شخصیت‌های تاریخی بر روی فرزندان خود نمی‌نهادند.

با هم به معنی چند نام نگاهی می‌اندازیم که نتیجه سالها پژوهش و کنکاش می‌باشد:

ام کلثوم: ام یعنی مادر و کلثوم به فرزند خیکی و چاق اطلاق میشود

حفصه: هسته خرما و یا زن سیاه و زشت

خدیجه: به سقط جنین شتر می‌گویند

بتول: زنی که هوس مرد و همخوابگی دارد

سمیه: از سم می‌آید و به اندازه زهری که در چیزی باشد می‌گویند.

سکینه: که مسکین نیز با این نام هم خانواده می‌باشد. به بانوی گدا و خوار و بیچاره می‌گویند

رقیه: که از ریشه رق می‌آید، به معنای افسون و جادو و نیرنگ است.

عذرا: به هر آن چیزی که سوراخ نشده باشد می‌گویند.

جعفر: ماده شتری که شیر بسیار داشته باشد.

ذبیح: به هر چارپایی که گلوش را ببرند می‌گویند. ذبح شده یعنی گلو بریده

باقر: که از خانواده بقره می‌باشد به گاو نر چاق می‌گویند و اعراب جاهلی به کسی که خیلی چیز می‌فهمیده است نیز می‌گفته.

باقر العلوم یعنی طرف همچون گاو چیز میداند.

عباس: از عبس می‌آید به معنای احمو، ترشرو، ترسناک و بدخود

عثمان: بچه مار

کاظم: از کظم می‌آید و به معنای لال بودن، گنگ و بی‌زبان و خاموش

هاشم: به نان فروش دوره‌گرد می‌گفته‌اند!

حیدر: این نام مخلوطی است از عربی و پارسی، حی یعنی زنده و در یعنی دیدن! حیدر به کسی گفته‌اند که انسانها را زنده

زنده پاره می‌کرده است.

صغری: کوچک و پست و اصغر نیز از همین خانواده و ریشه صغرا است. به معنای کوچکتر!

### سید و سیدی آقا و آقایی

البته نامهای دیگری چون کلب علی، کلب حسین و غیره نیز رایج بوده است که کلب یعنی سگ و کلب علی یعنی سگ علی و سک حسین و غیره. اینها نمونه اندکی بود از معنی برخی از نامهای تازی که در میان ما ایرانیان قرن‌ها رایج است. ما کمتر از معنی

آنها آگاه بوده ایم و کلاً این گونه نامها نوعی توهین و تحقیر بوده است برای هر عنصر ایرانی همچنانکه در قرنهای نخست

هجوم تازیان به ایران، ما را برده و موالی می‌خواندند و خودشان را مولا! و بر اساس همین تفکر و اندیشه بود که نامهای

نازیبای عربی را نیز بر ما تحمیل کردند! همچنانکه با رایج نمودن واژه و لقب و یا عنوان آقا که عربی آن میشود سید!! به طور

غلط به ما فهماندند که سید بودن یعنی نواده پیامبر اسلام بودن! يك پنجم درآمد هر ایرانی نیز در بست باید در اختیار تازیان

قرار بگیرد و چون سید بودن يك برتری اجتماعی و اقتصادی را از آن دارنده این عنوان میکرد، تعداد سیدها نیز در تاریخ ما

فراوان شد و تا به امروز برجای مانده است. و کلاً نوعی تبعیض اجتماعی میان تازی و ایرانی بر عنصر آزاده ایرانی تحمیل

شده است! در رابطه با نادرست بودن نسبت این همه سیدها با پیامبر اسلام و نوادگان دخترتري ایشان (فرزندان فاطمه) اخیراً در

ایران تحقیقاتی بعمل آمده است که دفتر ولایت فقیه از انتشار آن جلوگیری نموده است.

در این پژوهش آمده است که کلاً پیامبر اسلام پسری نداشت که بعنوان وارث ایشان تداوم بخش نسل ایشان باشد! خانم فاطمه همسر امام علی مادر امام حسین و امام حسن بوده‌اند. امروزه از تبار امام حسن را طباطبایی می‌خوانند و از تبار امام حسین را

حسینی، ثابت شده است که ریشه بسیاری از این خانواده‌ها به مدینه و فرزندان فاطمه نمی‌رسد. در همین پژوهش و تحقیق

تاریخی آمده است که سیدهای بسیاری با عنوان موسوی هستند که گفته میشود نوادگان امام موسی کاظم می‌باشند. چنانچه

در تاریخ آمده است و همه مورخین نیز آنرا گواهی کرده‌اند، امام موسی هرگز همسری دائمی و عقدي نداشته است. زیرا ایشان

از جوانی به زندان رفته است و در زندان نیز چشم از جهان فرو بسته است.

در این پژوهش آمده است که بسیاری از ثروتمندان و روسای قبايل و زورمندان و فرماندهان سپاه خود را سید خوانده گواهی‌نامه‌هایی را نیز تدوین نموده‌اند تا اولاً از موالی بودن به مولا شدن ترقی پیدا کنند و هم از عدم پرداخت خمس که يك پنجم درآمد بوده است بهره‌مند شوند و از آن سو يك پنجم درآمد دیگر ایرانیان را نیز از آن خود سازند.

سخنان کوتاه، چراغ راه « این وصیت من است! »  
از سیاوش اوستا

- اهورامزدا خدای دانا، توانا و مهربان انسان است.
- آری معمار بزرگ هستی « خداوند » « اهورمزدا » و .. وجود دارد، اما فراتر و یا فروتر از آن هرچه بگویند دکانی برای کاسبی و یا افسانه‌ای بیش نیست!
- اهورامزدا نه اهریمن را آفریده است و نه آتش جهنمی را برای ما فراهم آورده است.
- تمامی کتب و گفته‌های دینی جهان را به سه سخن:  
نیکی در پندار، گفتار و کردار نیک بفروش.
- هستی را با خرد بنگر و خدا را با دل.
- بزرگترین سرفرازی باور به خداوند است.
- خداوند هیچ نیازی به انسان ندارد.
- انسان از نگاه روانی نیازمند خداوند است.
- خداوند بزرگ اوستا، شکنجه گر نیست.
- مشورت با باتوان نیکو است.
- هر نسلی آگاهتر از نسل پیش است.
- دشمن دانا از دوست نادان بهتر است.
- تن را با ورزش و روان را با دانش پرورش دهید.
- نابخردان خود را داناترین و بزرگترین و برترینها میدانند.
- راستی با یاران دوستی را پایدار میکند.
- مهرورزی دل و روان را شاد میکند.
- با مردم نیکی به اندازه تا بدهکار نشوی.
- خردمندان خود را در برابر هستی و ناشناخته‌هایش کوچک میدانند.
- بدون برنامه روز را شب نمودن کشتن زمان و عمر است.
- دشمن دوست نما چنان کند که هیچ دشمنی نکند.
- نصیحت دشمن را پذیر اما بخوبی گوش کن!
- خردمندان نمی‌جنگند! گفتگو میکنند!
- گفتگو نمودن با رقیب و دشمن برتر از جنگیدن است.
- عشق به هر کس! عیب آن کس را میپوشاند!
- از خداوند خردمندی و تندرستی بخواهیم!

درفش کاویانی



<http://derafsh-kavivani.com/parsi/>